

رُزْمَرِی ثَانِگ

نقد و نظر:

درآمدی جامع
بر نظریه‌ها
فمینیستی

ترجمه منیژه نجم عراقی



نشرنی

سرشناسه: تانگ، رزمري، ۱۹۴۷ - م. Tong, Rosemarie • عنوان و نام پديدآور: نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظريه‌های فمينيستی/رزمري تانگ؛ ترجمه منيژه نجم‌عراقی. • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۷. • مشخصات ظاهري: ۴۲۴ ص. • نوبت چاپ: چاپ دهم، ۱۴۰۱. • شابک: ۸-۰۳۲-۱۸۵-۹۶۴-۹۷۸ • وضعيت فهرست‌نویسی: فيبا • يادداشت: عنوان اصلی: Feminist thought a comprehensive introduction, 1989 • يادداشت: کتابنامه؛ واژه‌نامه؛ نمايه. • موضوع: فمينيسم - نگرش‌ها • شناسه افزوده: نجم عراقی، منيژه، ۱۳۳۱ - مترجم • رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۷ ن ۶ ت ۱۲۰۶/ HQ • رده‌بندی ديویی: ۳۰۵/۴۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۴-۱۱۰۶۴ م

قيمت: ۱۹۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

نقد و نظر:

درآمدی جامع بر نظريه‌های فمينيستی

رزمري تانگ

مترجم: منيژه نجم‌عراقی

چاپ دهم: تهران، ۱۴۰۱، ۵۰۰ نسخه

ليتوگرافي: باختر • چاپ و صحافی: غزال

شابک: ۸-۰۳۲-۱۸۵-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۳	قدردانی
۱۵	مقدمه: گونه‌های اندیشه فمینیستی
۲۹	فصل اول: فمینیسم لیبرال
۲۹	ریشه‌های فمینیسم لیبرال
۳۲	تاریخچه پیدایش اندیشه لیبرال فمینیستی
۳۳	قرن هیجدهم: آموزش برابر برای مردان و زنان
	فمینیسم لیبرال در قرن نوزدهم: حقوق مدنی و فرصت‌های
۳۸	اقتصادی برابر برای مردان و زنان
۴۵	فمینیسم لیبرال در قرن بیستم: کم و زیادهای رفتار مساوی با مردان و زنان
۵۴	سمت و سوی فمینیسم لیبرال معاصر
۵۹	نقد فمینیسم لیبرال
۶۰	نقدی جامعه‌گرایانه
۶۴	نقدی سوسیالیست فمینیستی
۶۹	نتیجه‌گیری
۷۳	فصل دوم: فمینیسم مارکسیستی
۷۳	برخی مفاهیم و نظریه‌های مارکسیستی: معانی فمینیستی نهفته در آن‌ها
۷۳	مفهوم مارکسیستی طبیعت بشر

۷۵	نظریه اقتصادی مارکسیسم
۷۸	نظریه اجتماعی مارکسیسم
۸۲	نظریه سیاسی مارکسیسم
۸۵	فردریش انگلس: منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت
۹۰	فمینیسم مارکسیستی معاصر
۹۱	خانواده، یا خانوار، زیر سایه سرمایه‌داری
۹۳	اجتماعی‌شدن کار خانگی در برابر دستمزد خانه‌داری
۹۵	مبارزه برای دستمزد خانه‌داری
۱۰۲	جنبش هم‌ارزی
۱۰۶	نقد فمینیسم مارکسیستی
۱۰۷	نقدی جامعه‌گرایانه
۱۱۰	نقدی سوسیالیست فمینیستی
۱۱۴	نتیجه‌گیری
۱۱۹	فصل سوم: فمینیسم رادیکال و مباحث تولیدمثل و مادری
۱۲۱	باروری: لعنت یا نعمت
۱۲۱	باروری: علت ستم بر زنان
۱۲۹	باروری: سرچشمه آزادی‌بخشی به زنان
۱۳۹	مادری‌کردن: دوستش بداریم یا ره‌ایش کنیم؟
۱۴۰	استدلال مخالفان مادریت طبیعی
۱۴۴	استدلال هواداران مادریت طبیعی
۱۴۷	ارزیابی دوباره دلایل موافق و مخالف مادریت طبیعی
۱۴۸	مادریت میانجی یا قراردادی
۱۵۵	نتیجه‌گیری
۱۵۷	فصل چهارم: فمینیسم رادیکال و مباحث جنسیت و میل جنسی
۱۵۸	جنس زیست‌شناختی و جنسیت مردسالارانه
۱۵۸	آندروژنی: راهی برای حل مسئله تحمیل مردسالارانه «زنانگی» و «مردانگی»
	برگذاشتن از آندروژنی: «فرهنگ زنانه» راه‌حل نهایی برای تحمیل
۱۶۷	مردسالارانه «زنانگی» و «مردانگی»

۱۷۹	 میل جنسی از دیدگاه فمینیستی
۱۸۲	 هرزننگاری به منزله عارضه و نماد میل جنسی زن که در مهار مرد است
۱۸۲	 مباحث مطرح پیرامون هرزننگاری، پیش از فمینیسم
۱۸۴	 مباحث فمینیستی پیرامون هرزننگاری
۲۰۱	 هم جنس خواهی زنان به منزله الگوی میل جنسی زنانه که در مهار زن است
۲۰۸	 نقد فمینیسم رادیکال
۲۰۸	 طبیعت زن: آیا منشأ «خوبی» وی است؟
۲۱۳	 عواطف زن: آیا منشأ «خوبی» وی است؟
۲۱۹	 خوبی زن: آیا چنین چیزی وجود دارد؟
۲۲۴	 نتیجه گیری
۲۲۷	 فصل پنجم: فمینیسم روان کاوانه
۲۲۷	 ریشه های فمینیسم روان کاوانه
۲۳۳	 نقدهای معیار فمینیستی بر نظریه فروید
۲۳۸	 به کار بستن روان کاوی برای معاصد فمینیستی
۲۴۰	 رد زیستی نگری فروید
۲۴۳	 استدلال فمینیستی له و علیه پدرمادری اشتراکی
۲۶۲	 استدلال های فمینیستی له و علیه خلق و خوی زنان
۲۷۲	 پیش به سوی تعبیر دیگری از عقده اودیپ
۲۷۷	 نتیجه گیری
۲۷۹	 فصل ششم: فمینیسم سوسیالیستی
۲۸۴	 نظریه دوسیستمی
۲۸۴	 تبیین غیرماتریالیستی مردسالاری به همراه تبیین ماتریالیستی سرمایه داری ...
۲۸۹	 تبیین ماتریالیستی مردسالاری به همراه تبیین ماتریالیستی سرمایه داری
۲۹۳	 نقدهایی بر نظریه های دوسیستمی
۲۹۵	 نظریه سیستم های وحدت یافته
۲۹۵	 مفهوم وحدت بخش تقسیم کار جنسیتی
۳۰۰	 مفهوم وحدت بخش از خودبیگانگی
۳۰۵	 نقدهایی بر نظریه سیستم های وحدت یافته

یادداشت مترجم

نظریاتی که زنان در دویست سال اخیر به عرصه اندیشه بشر افزوده‌اند از تنوع فراوانی برخوردار بوده است. همین گوناگونی آرا سبب شده که نتوان آن‌چه را به نام فمینیسم شناخته می‌شود همانند دیگر مکاتب نظری به چند اصل بنیادین فروکاست، در بسته‌بندی معینی جای داد، لفافی به دور آن پیچید و تکلیف خود را با آن روشن کرد. در سده نوزدهم که موج اول فمینیسم پا گرفت تنها جنبشی برای دستیابی زنان به حقوقی برابر با مردان در عرصه سیاست و اجتماع بود؛ اما از نیمه سده بیستم به این سو، نظریه‌های فمینیستی به کاوش در چند و چون حضور و غیاب «زن» در علم و فلسفه و معرفت‌شناسی و طرح مقوله‌هایی همچون «زنانه‌نگری» و «فرازوی از جنسیت» پرداخته‌اند. با این اوصاف، امروزه با پیدایش نحله‌های گوناگونی که بر برابری یا تفاوت یا جدایی یا حتی برتری زنان پا می‌فشارند به دشواری می‌توان تنها با اشاره به مطالبات حقوقی به عمق معنای فمینیسم راه برد؛ افزون بر این، مقوله «زنانه» اکنون معنایی بس پیچیده‌تر و گسترده‌تر از آن دارد که در گذشته داشت و زنان و مردان بسیاری را در بر می‌گیرد که از پایگاه‌ها و خاستگاه‌های اجتماعی گوناگون برمی‌آیند، و با پیوستن به این عرصه اندیشه هر دم بر وسعت و گوناگونی آرای آن می‌افزایند. پس بهتر است بگوییم که فمینیسم هنوز به پایان راه نرسیده است. این گوناگونی آرا و فقدان یکپارچگی و نظام‌مندی، از سوی دیگر، سبب شده که اندیشه‌ورزان مردم محور نظریات فمینیستی را کم‌تر در ردیف علم به

حساب آورند؛ و البته خود فمینیست‌ها نیز هرگز ادعا نداشته‌اند که جهان را از دریچه‌ای می‌نگرند که امروزه علم نامیده می‌شود، چون هیچ علمی را بی‌غرض و بی‌طرف نمی‌دانند و معتقدند که ما باید در دیدگاه خود، هم نسبت به دانش زنان و هم نسبت به دانش به طور کلی، تجدیدنظر کنیم.

کتابی که پیش رو دارید چیزی نیست مگر دعوت خواننده بر سر خوان گسترده اندیشه‌هایی که بر گروهی از ذهن‌های کوشنده گذشته است، بی‌آن‌که مدعی باشد یا نگوید دهد که پاسخی قطعی برای پرسش‌های خود خواهد یافت.

برخی صاحب‌نظران فقدان ضمایر مذکر و مؤنث در زبان فارسی را دلیلی بر تیره این زبان از اتهام جنسیت‌گرایی دانسته‌اند؛ اما در واژگان و بافت زبان فارسی شواهدی یافت می‌شوند که این ادعا را نقض می‌کنند. تحقیق در این باره البته در صلاحیت پژوهشگران زبان و ادب فارسی است که متأسفانه تاکنون عنایت چندانی به این مقوله نشان نداده‌اند.

در هر حال، برگرداندن متون فمینیستی به دلیل همین حساسیت‌های زبانی گاه دشوار می‌نماید و این دشواری البته فقط به دلیل نابرابری ضمایر فارسی و لاتین نیست. برای نمونه، فمینیست‌های انگلیسی‌زبان به قصد تأکید بر این‌که تاریخ بشر در عمل تاریخی مردانه بوده است در برابر واژه history واژه her-story را می‌سازند. مترجم فارسی‌زبان اگر به این تأکید فمینیستی معتقد باشد و شکل بدون جنسیت واژه «تاریخ» را دال بر مدلولی فارغ از جنسیت نداند در بیان این تأکید کار آسانی پیش رو نخواهد داشت.

دشواری دیگر به تفاوت واژه‌های feminine و female بازمی‌گردد که در زبان فارسی برای هر دو معادل‌های «زن» و «زنانه» و «مؤنث» و «مادینه» جا به جا و اغلب بدون تمایز معنایی به کار می‌رود. یکی از نویسندگان برجسته فمینیست خاطرنشان ساخته است که عموماً female صفتی زیست‌شناختی و feminine صفتی اجتماعی تلقی می‌شود.^۱ من برای نمایش این تمایز با خود قرارداد کرده‌ام که در این متن تا حد

1. Moi, Toril. 1986. "Feminist Literary Criticism" in *Modern Literary Theory*, ed. Ann Jefferson and David Robey. London.

امکان «مادینه» را برای female، و «زنانه» را برای feminine به کار ببرم (و به تبع این قرارداد «ترینه» برای male و «مردانه» برای masculine آمده است).

همین گرفتاری درباره واژه‌های sex و gender و sexuality وجود دارد. البته در مورد دو واژه نخست معادل‌های «جنس» به معنای زیست‌شناختی و «جنسیت» به معنای فرهنگی و جامعه‌شناختی در متون تخصصی این عرصه کمابیش جا افتاده است. اما در مورد واژه سوم که حتی برای نویسندگان غربی نیز ددرساز است به تناسب متن از معادل‌های متفاوتی مانند میل جنسی، احساس جنسی، رابطه جنسی و هرگاه لازم بوده از لفظ «سکس» بهره گرفته‌ام.

دشواری دیگر القای معنای «قدرت» است که تقریباً در تمامی نظریه‌های کنونی فمینیسم از مفاهیم بنیادین به شمار می‌آید. بار معنایی «قدرت» مانند معادل انگلیسی آن power می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. نویسنده انگلیسی‌زبان با توجه به ساختار زبانی خود برای القای جنبه‌های مثبت و منفی این واژه به سادگی ترکیب‌های power-to و power-over را می‌سازد. این کار البته در زبان فارسی چندان سابقه ندارد، با این حال من به ناگزیر همانند متن اصلی از ترکیب‌های «قدرت-برای» و «قدرت-بر» سود جست‌ه‌ام تا تأکید بر بار معنایی «قدرت» در این دو ترکیب از میان نرود. این اجبار به من جرئت داد که در یکی دو مورد دیگر نیز به همین شیوه ترکیب‌سازی کنم و مثلاً برای pleasure-with ترکیب «لذت-با» را به کار ببرم.

با برشمردن این چند نمونه قصد شرح مصیبت یا توجیه ناتوانی خود در ارائه متنی روشن و قابل فهم را نداشته‌ام و نیک می‌دانم که دشواری‌های ترجمه منحصر به چنین متونی نیست. غرض تأکیدی دوباره بر اهمیت نگاه انتقادی به واژه‌هایی است که هر روز به کار می‌بریم بی آن‌که به گفتمان قدرتی که این واژه‌ها در قالب آن جاری می‌شوند بیندیشیم یا به ظرافت‌های معنایی آن‌ها، به‌ویژه از نظر جنسیتی، توجهی داشته باشیم.

شایسته نیست بدون سپاسگزاری از خانم رُزمیری تانگ که در پاسخ به اجازه ترجمه کتاب خود بی‌درنگ پاسخی دلگرم‌کننده فرستاد، و از تمامی دوستانی که با همدلی‌های خویش جسارت این کار را در من دامن زدند، این یادداشت را به پایان

برم. امیدوارم دانشورانی که در عرصه اندیشه و زبان این دیار صاحب نظرند ضعف‌های کار را بر من ببخشند؛ و بیش از آن امیدوارم این دانشوران، به‌ویژه زنان فرهیخته، خود قلم به دست بگیرند و با نگارش کوشش‌های ذهنی خویش سفره رنگین فمینیسم را رنگین‌تر سازند.